



(قسمت اول)

در اوایل قرن بیستم، توسعه صنایع جدید، ارتباطات و مخابرات سبب گردید تا حجم مبادلات میان کشورها افزایش یابد. مبادلات بین المللی در آن زمان تا پایان جنگ جهانی اول از طریق انتقال شمشهای طلا میان کشورها صورت می گرفت. در دوره مورد بحث، افزایش حجم مبادلات بین المللی و کافی نبودن ذخائرطلای برخی ازکشورها، باعث به وجود آمدن مشکلات عدیده ای در امر مبادلات بین کشورها شد. از این روکشورها نیازمند به ایجاد یک پول واحد بین المللی بودند. این پول می بایست مورد قبول همه کشورهای باشد و در عین حال وابسته یا تحت تاثیر نفوذ سیاهای هیچ کشوری قرار نداشته باشد. و لیکن در آن دوران به دلایل متعدد کشورها نمی توانستند بر سر چنین پولی به توافق برسند. البته در دوران رونق سالهای ۱۹۲۹ - ۱۹۲۴ پول بعضی ازکشورها مانند دلار، لیره استرلینگ واسطه مبادلات قرار گرفت، اما در نهایت تسویه بدهیها از طریق انتقال شمشهای طلا انجام می گرفت. بدهی است که در این دوران بعضی ازکشورها با کسری تراز پرداختها روبرو می شدند. آنها برای جلوگیری از خروج ذخائر طلای خود ازکشور بخاطر تسویه بدهیها تلاش می کردند تا واردات خود را کاهش و در مقابل صادرات خود را افزایش دهند. مشخص است که هدف از اتخاذ چنین سیاستی درکشور مربوطه کاهش میزان بدهیها بوده است و لیکن این سیاست منجر به پیدایش رکود اقتصادی در آن کشور می شد.

نتیجه نهایی اتخاذ چنین سیاستهای اقتصادی و رکودی در کشورهای صنعتی، ظهور بزرگترین بحران اقتصادی در اواخر دهه ۱۹۲۰ بود.

THE SECOND WORLD WAR



بحران بزرگ سالهای ۱۹۳۲ - ۱۹۲۹ موجب روی کار آمدن فاشیسم در آلمان و دسته بندیهای اقتصادی و تجاری میان کشورهای جهان شد.

در این دسته بندی ها، آمریکا، انگلستان و فرانسه در یک گروه، و آلمان، ژاپن و ایتالیا در گروه مقابل قرار گرفتند، که در نهایت در سال های ۱۹۳۹ جنگ جهانی دوم آغاز شد. در طول جنگ جهانی دوم یعنی در طی سالهای ۱۹۴۵ - ۱۹۳۹، سیستم پرداختها و دریافتهای بین المللی که هنوز عمدتاً مبنی بر انتقال

شمشهای طلا میان کشورها بود، به علت عدم وجود امنیت آبهای بین المللی مختل شد. در این دوران آمریکا و انگلستان که هر کدام ادعای رهبری اقتصادی و سیاسی جهان را داشتند به منظور جلوگیری از تکرار و پیدایش بحرانهای اقتصادی اقدام به تشکیل سیستم پولی جدید کردند. در اوج جنگ جهانی دوم یعنی در سالهای اولیه دهه ۱۹۴۰، تلاشهای زیادی برای ایجاد یک سیستم باثبات و آزاد پولی صورت گرفت. در این راستا چهار طرح عنوان شد:

۱. طرح هری دکستروایت (Harry Dexter White) معاون وزیر خزانه داری ایالات متحده آمریکا در فوریه ۱۹۴۲ ارائه گردید. عنوان طرح وایت « پیش نویس اولیه پیشنهاد تأسیس صندوق تثبیت ملل متحد و بانک ترمیم و توسعه ملل متحد » بود.
۲. طرح جان میناردکینز (John Maynard Keynes) مشاور خزانه داری انگلستان و از اقتصاددانان مشهور، در فوریه ۱۹۴۲ تحت عنوان « اتحادیه پایا پای پولی بین المللی » ارائه گردید.
۳. دولت فرانسه نیز در ماه مه ۱۹۴۳ طرحی را تحت عنوان « مناسبات پولی بین المللی » ارائه کرد.
۴. در ژوئیه ۱۹۴۳ طرحی تحت عنوان « اتحادیه مبادلات بین المللی » توسط دولت کانادا ارائه گردید.

که از میان طرحهای مذکور، دو طرح وایت از آمریکا و کینز از انگلستان مورد توجه قرار گرفت. در این هنگام کشور آمریکا بطور مستقیم درگیر جنگ نبود و دارای قدرت اقتصادی زیادی بود به گونه ای که از یک سو عمده ترین منبع تأمین مالی خسارات جنگ به حساب می آمد و از سوی دیگر بعد از جنگ جهانی به صورت یک طلبکار عمده درآمده بود. از اینرو به دلیل نفوذ آمریکا، به طرح وایت بیشتر اهمیت داده شد.



سمت راست: جان مینارد کینز - سمت چپ: هری دکستروایت

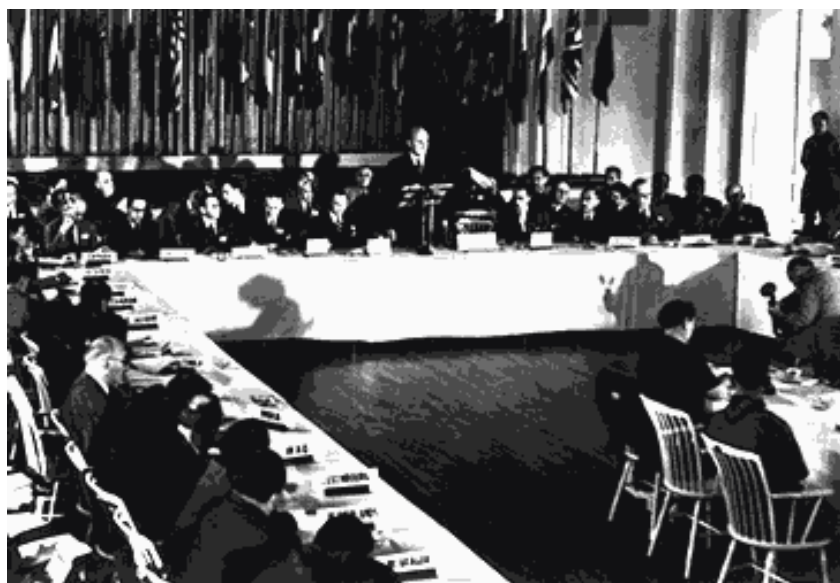
پیرو جلسات متعددی که در سال ۱۹۴۳ میان نمایندگان انگلستان و آمریکا با حضور کینز و وایت صورت گرفت، بیانیه مشترکی صادر گردید که در آن تأسیس صندوق بین المللی پول یا IMF (Monetary Fund International) به منظور اداره نظام پولی جهان پیشنهاد شده بود. نهایتاً تشکیل یک مؤسسه بین المللی پولی در کنفرانس برتن وودز (Bretton Woods) در ایالت نیوهمپشایر آمریکا با شرکت ۴۴ کشور جهان در ژوئن سال ۱۹۴۴ مورد توافق کشورها قرار گرفت. به این ترتیب ۲۹ کشور

جهان در ۲۷ دسامبر ۱۹۴۵، اساسنامه مؤسسه ای بنام صندوق بین المللی پولی را امضاء کردند و صندوق بین المللی پول در این تاریخ به رسمیت شناخته شد. قابل ذکر است که چارچوب اصلی طرح مزبور از طرح وایت گرفته شده بود.



محل برگزاری کنفرانس Bretton Woods

در ۸ مارس ۱۹۴۶ اجلاس اختتامیه صندوق برگزار گردید و اولین اجلاس مدیران اجرایی آن در تاریخ ۶ مه ۱۹۴۶ تشکیل شد، عملیات مالی صندوق نیز از اول ماه مارس ۱۹۴۷ بطور رسمی آغاز شد.



اولین اجلاس مدیران اجرایی صندوق بین المللی پول

همچنین در کنفرانس برتن وودز در کنار تأسیس صندوق بین المللی پول، بانک بین المللی ترمیم و توسعه یا IBRD (Reconstruction and Development International Bank for) که بعداً بانک جهانی خوانده شد با سرمایه ۴۵ کشور عضو سازمان ملل متحد تشکیل گردید. که عمده ترین وظیفه این بانک بازسازی صنایع و اقتصاد ویران کشورهای اروپای غربی بود. در واقع این بانک امور پولی و نقل و انتقالات سرمایه را به عهده گرفت. در جدول زیر فهرست اسامی کشورهای عضو و سهمیه هر یک در ابتدای تأسیس صندوق بین المللی پول نشان داده شده است.

کشور	سهمیه (میلیون دلار)	کشور	سهمیه (میلیون دلار)
استرالیا	۲۰۰	هند	۴۰۰
بلژیک	۲۲۵	ایران	۲۵
بلیوی	۱۰	عراق	۸
برزیل	۱۵۰	لیبریا	۰/۵
کانادا	۳۰۰	لوگزامبورگ	۱۰
شیلی	۵۰	مکزیک	۹۰
چین	۵۵۰	هلند	۲۷۵
کلمبیا	۵۰	زلاندنو	۵۰
کاستاریکا	۵۰	نیکاراگوئه	۲
کوبا	۵۰	نروژ	۵۰
چک اسلواکی	۱۲۵	پاناما	۰/۵

۲	پاراگوئه	*	دانمارک
۲۵	پرو	۵	جمهوری دومینیکن
۱۵	فیلیپین	۵	اکوادور
۱۲۵	لهستان	۴۵	مصر
۱۰۰	آفریقای جنوبی	۲/۵	السالوادر
۱۲۰۰	اتحادیه جماهیر شوروی	۶	اتیوپی
۱۳۰۰	بریتانیای کبیر	۴۵۰	فرانسه
۲۷۵۰	ایالات متحده آمریکا	۴۰	یونان
۱۵	اروگوئه	۵	گواتمالا
۱۵	ونزوئلا	۵	هائیتی
۶۰	یوگوسلاوی	۲/۵	هندوراس
-	-	۱	ایسلند

* قرار بود سهمیه دانمارک پس از آنکه دولت مزبور آمادگی خود را برای امضای این موافقتنامه اعلام کند، تعیین گردد.

تا پیش از جنگ جهانی اول، طلا بعنوان سبیل قدرت جهانی شناخته می شد. لیکن جنگ جهانی اول سرآغاز تضعیف نقش طلا به عنوان معتبر ترین پول جهانی بود. در این زمان احتیاج شدید طرفین جنگ به نشر اسکناس جهت برآوردن احتیاجات جنگی از یکسو و محدود بودن عرضه طلا از سوی دیگر سبب شد تا طرفین، سیستم پایه طلا را نادیده بگیرند.



اولین تغییر رسمی در سطح جهانی در سیستم پایه طلا پس از جنگ جهانی اول تحت عنوان استاندارد ارز طلا (Gold Exchange Standard) صورت گرفت. در سیستم مزبور پول کشورهای قدرتمند جهان (بخصوص پوند و دلار) نیز بعنوان پشتوانه چاپ اسکناس پذیرفته شد و بدین ترتیب نقدینگی بین المللی افزایش یافت. البته قابلیت تبدیل ذخایر مزبور به طلا همچنان محفوظ بود.

سیستم جدید با حذف محدودیت چاپ اسکناس باعث افزایش حجم پول و نقدینگی بین المللی گردید. در عین حال رشد نقدینگی بین المللی در افزایش حجم فعالیتهای بین المللی و بالا رفتن سطح تولید و نیز بازپرداخت بدهی ها و غرامتهای جنگی توسط پول کاغذی نقش اساسی ایفا کرد. لیکن تورم شدیدی (Hyper Inflation) که نتیجتاً گریبانگیر آلمان و سایر کشورهای جهان شد، عامل مهمی در

پدید آمدن رکود شدید اقتصادی در سالهای ۱۹۳۰ شد و تورم و رکود شدید اقتصادی تقاضا برای طلا را در سال ۱۹۳۱ تا بدانجا رساند که انگلستان مجبور به لغو قابلیت تبدیل لیره استرلینگ به طلا شد. اما رابطه دلار و طلا همچنان ادامه یافت و سبب کاهش ذخائر طلای آمریکا گردید. لذا در سال ۱۹۳۴ آمریکا برای رفع مشکل و ترمیم و تثبیت دلار، قوانین جدیدی وضع کرد. این قوانین جدید عبارت بودند از:

۱. لغو قابلیت تبدیل دلار به طلا جز توسط بانکهای مرکزی جهان.
۲. موظف کردن مردم آمریکا به تحویل طلا و سکه های طلای خود به دولت آمریکا و غیر قانونی اعلام کردن استفاده از طلا بعنوان پول در ایالات متحده آمریکا.
۳. کاهش ارزش دلار به میزان ۴۰ درصد..

از چند سال قبل از جنگ جهانی دوم تا پایان آن، سیستم پولی بین المللی دچار هرج و مرج گردید. پس از جنگ جهانی دوم کشورهای پیشرفته جهان به شدت مقروض شده بودند اما آمریکا از جنگ چندان صدمه ای ندیده بود و در طی این زمان صنعت و کشاورزی این کشور نیز به سرعت پیشرفت کرده بود و از نظر اقتصادی قدرت فوق العاده ای یافته بود در نتیجه دلار بعنوان پول قوی و مورد اعتماد پذیرفته شد. تحت چنین شرایطی سیستم پولی جهان می بایست بصورتی تنظیم می شد که به بازسازی اقتصاد این کشورها و تثبیت نرخ ارزها کمک می نمود و این جز با همکاری همه کشورهای جهان امکان پذیر نبود. لذا ایجاد یک سیستم پولی بین المللی جهت برقراری نظم و ترتیب در معاملات که بر پایه همکاری و به دور از تکروری و رقابت باشد ضروری بود. به همین مناسبت در اواخر جنگ دوم جهانی همین که کشورهای ایالات متحده آمریکا و انگلستان از پیروزی خود در جنگ جهانی اطمینان حاصل کردند، متخصصان پولی و اقتصادی خود را مأمور مطالعه و تهیه طرح لازم برای وجود آوردن سازمانهای بین المللی پول نمودند.

طبق قرارداد برتن وودز پولهای کشورهای جهان و تنها عامل با ثباتی که باقی مانده بود یعنی دلار آمریکا به یکدیگر پیوند داده شد. طلا از یک طرف نتوانسته بود که نقدینگی لازم را برای رشد اقتصادی فراهم کند و از طرف دیگر ذخائر طلای کشورهای پیشرفته جهان بطور فاحشی نابرابر بود و این امر هدفهای کنفرانس برتن وودز را در زمینه از میان برداشتن بیکاری و رکود اقتصادی در کشورهای مختلف خدشه دار می ساخت. اما نقش طلا را در سیستم پول جهان نمی شد نادیده گرفت و برای حل این مسئله در کنفرانس برتن وودز قرار شد که دلار آمریکا بعنوان پول بین المللی برابر با یک سی و

پنجم انس طلا یا «هرانس طلا برابر ۳۵ دلار آمریکا» (یک اونس برابر است با ۲۸/۳۵ گرم و یک شانزدهم پوند) شناخته شود. سیستم پولی مبنی بر نتایج این کنفرانس به این ترتیب بود:

۱. دلار بعنوان پول کلیدی در نظام برتن وودز انتخاب شده که ارزش کلیه پولها بر حسب آن سنجیده می شد.

۲. دلار باید خود بر حسب طلا تعریف شده، قابل تبدیل به طلا بوده و ورود و خروج طلا از و به آمریکا آزاد می بود.

۳. در این نظام نرخ ارز ثابت بود اما می توانست به میزان $+1\%$ یا -1% درصد تغییر کند.

۴. برداشتن محدودیتهای ارزی بین کشورها و توافق بر سر ایجاد صندوق بین المللی پول جهت کمک به کشور هایی که بطور موقت دچار مشکلات مالی بودند (چون کشورها برای رفع مشکلات مالی و رفع کسری پرداختهای موقتی خود، ارزش پولشان را تضعیف می کردند که بتوانند صادراتشان را افزایش دهند و بودجه متعال شود).

سیستم برتن وودز حدود ده سال خوب کارکرد، اما پس از آن دچار مشکل شد. یکی از اشکالات این بود که گروهی بر این عقیده بودند که نقدینگی بین المللی کافی نیست. آمریکا جهت پاسخ گفتن به احتیاجات ذخیره جهان و نقدینگی بین المللی و نیز به علت سرمایه گذاریهای بلند مدت در خارج از کشور می بایست که کسری مداوم تراز پرداختها را تحمل کند. سرمایه گذاری آمریکا در سایرکشورها و نیز عدم توسعه تولیدات آن کشور به حد کافی، سبب شد که اواسط دهه ۱۹۵۰ سیل کالاهای ژاپنی، آلمانی و انگلیسی که اقتصاد آنها به کمک آمریکا به سرعت بهبود یافته بود به بازارهای داخلی آن کشور سرازیر شود. نتیجتاً کسری تراز پرداختهای این کشور در سالهای ۱۹۵۸، ۱۹۵۹ و ۱۹۶۰ به ترتیب بالغ بر $3/4$ ، $3/9$ و $3/9$ میلیون دلار گردید. هر چند که تراز پرداختهای آمریکا در دوره ۱۹۶۱ الی ۱۹۶۸ به علت ارزانی نسبی کالاهای صادراتی آمریکا بهبود قابل ملاحظه ای یافت، لیکن پس از این تاریخ کسری تراز پرداختهای این کشور رو به افزایش گذاشت.

در این میان بنا به دلایلی از جمله تبدیل طلا به دلار توسط فرانسه، خروج طلا از آمریکا که از اواخر دهه ۱۹۵۰ با نرخ متوسط سالیانه ۵ درصد ادامه یافته بود، به دنبال کاهش ارزش لیره استرلینگ به میزان $14/3$ درصد در ۸ نوامبر ۱۹۶۷ ابعاد وسیعتری یافت.

تا این تاریخ انگلستان تحت فشار ایالات متحده بخش عمده طلا و ارز خود را مصرف کرده و بشدت مقروض شده بود تا بتواند ارزش لیره استرلینگ را برابر با $2/8$ دلار نگاه دارد. لیکن این تلاش به علت کسری



مداوم تراز پرداختها همراه با سیاستهای نامناسب بی اثر ماند. قبل از اعلام کاهش ارزش لیره استرلینگ دارندگان آن که ماجرای پشت پرده را حدس زده بودند سیل پوند را به بازارها جاری کردند و بانکهای مرکزی متعهد جهان برای حفظ ارزش پوند به شدت متضرر شدند. به دنبال اعلام کاهش ارزش پوند، این فکر قوت گرفت که بهترین دارایی ذخیره، طلا است و بعید نیست که دلار آمریکا نیز به سرنوشت پوند انگلیس دچار شود. به همین

جهت بورس بازان به طلا روی آوردند و تقاضا برای این فلز به حد بی سابقه ای بالا رفت. در جدول زیر کاهش سریع ذخائر طلای ایالات متحده آمریکا و انباشت دارایی دلاری خارجیان را می بینیم لذا می بایست که هرچه زودتر چاره ای جهت حفظ موقعیت دلار یافت می شد. به این منظور بانکهای مرکزی جهان در سال ۱۹۶۸ توافق کردند که خرید و فروش طلا را به خود محدود کرده و رابطه خود را در این زمینه با بازار آزاد قطع کنند بدین ترتیب سیستم دو نرخی طلا ایجاد شد. یکی نرخی رسمی که بین بانکهای مرکزی معمول بود، (۳۵ دلار هر اونس طلا) و دیگری نرخ بازار آزاد که به عهده عرضه و تقاضا در بازار خصوصی گذاشته شده بود.

پایان سال	ذخائر طلای ایالات متحده	دارایی های دلاری نزد خارجیان
۱۹۵۵	۲۱/۸	۱۱/۷
۱۹۶۰	۱۷/۸	۱۸/۷
۱۹۶۸	۱۰/۷	۳۱/۵

طلا از سال ۱۹۵۹ سبب محدودیت رشد نقدینگی در سطح جهانی شده بود. این محدودیت خود به دو عامل مربوط می شد که یکی کسری مزمن تراز پرداختهای آمریکا و دیگری خطر تقاضا برای طلا در مقابل ارائه دلارهای انباشته شده در جهان بود.

در این میان جنگ ویتنام و هزینه های سنگین نظامی آمریکا در سایر نقاط جهان و نیز تعهدات خارجی این کشور به کسری تراز پرداختهای آمریکا دامن می زد. اوضاع بد اقتصادی آمریکا پس از سال ۱۹۶۸ و عدم اطمینان به بهبود سریع آن، کسری مزمن تراز پرداختها و افزایش قروض خارجی این کشور در مقابل ذخائر رسمی طلا سبب سلب اعتماد از دلار شد. در ضمن طبق جدول فوق حجم قابل ملاحظه دلارهایی که قابلیت تبدیل به طلا را داشتند نیز وضع بغرنجی بوجود آورده بود. از آنجا که طبق قرارداد برتن وودز دلار بعنوان پول ذخیره شده بود، بانکهای مرکزی جهان مرتب دلارهای آمریکا را روی هم می انباشتند. با مقایسه دارایی های طلا و میزان

دلار موجود در ذخائر دولتی و بانکهای مرکزی جهان می توان به تغییر موقعیت جهانی دلار پس از جنگ جهانی دوم پی برد. این مقایسه در جدول زیر انجام گرفته است.

پایان سال	طلا (میلیارد دلار)	دارائی های دلاری (میلیارد دلار)	نسبت دارائی های دلاری به طلا (درصد)
۱۹۳۸	۱۱	۰/۵	۵
۱۹۵۰	۱۱/۵	۳/۴	۳۰
۱۹۵۵	۱۴/۴	۷	۴۹
۱۹۶۷	۲۶/۹	۱۵/۷	۵۸

صندوق بین المللی پول در ابتدای فعالیت خود سیاست پولی بین المللی ای بر پایه ثبت نرخها اتخاذ نمود. بر طبق این سیاست نرخ برابری پول رایج هرکشور عضو به طلا و یا به دلار تثبیت شد و ارزش هر انس طلا ۳۵ دلار تعیین شد و تنها نوسان نرخ ارزها برای معاملات نقدی در محدوده نرخ تثبیت شده مجاز شناخته شد، دولتها می توانستند هنگام بروز نوسانات شدید ارزها و خارج از محدوده مذکور از طریق دخالت در بازار ارز ارزش پول خود را حفظ کنند در این رابطه صندوق بین المللی پول اعضا خود را از داشتن نرخهای متعدد مبادلات ارزی منع می کرد.

باگذشت زمان مشخص گردید که رابطه ارزشی صحیحی بین دلار و طلا برقرار نیست، به عبارت دیگر پایه هر انس طلا، ۳۵ دلار فقط دارای جنبه ظاهری است. از این رو اعضای صندوق بین المللی پول ناچار شدند برابری طلا و دلار را به هر اونس طلا معادل ۳۸ دلار تغییر دهند به این ترتیب ارزش دلار تنزل کرد و ارزش ارزهای دیگر افزایش یافت همچنین در این اصلاح محدوده مجاز نوسان برابری ارزها از یک درصد به چهار و نیم درصد و در مجموع ۲/۲۵٪ در هر طرف افزایش یافت. این نظام ارزی (نظام تثبیت نرخها بر پایه دلار و طلا) در سال ۱۹۷۱ با بروز یک بحران پولی از بین رفت. در زمان بحران پولی سال ۱۹۷۱ عملاً دلار دیگر قابل تعویض با طلا نبود ازاین رو عملیات صندوق بین المللی پول مختل ماند. در پی این بحران سرمایه های سوداگران به آلمان سرازیر شد. این امر موجب به بار آمدن فشار در جهت صعودی بر ارزش مارک گردید و در نتیجه این فشار، دولت آلمان قیمت مارک را شناور اعلام کرد. به دنبال این جریانات آمریکا ناچار به لغو قابلیت تبدیل دلار و طلا شد. بدین ترتیب همه ارزهای قوی در بازارهای بین المللی شناور گردیدند.

پس از این وقایع، صندوق بین المللی پول مطابق دومین اصلاحیه اساسنامه خود اعلام کرد که
اعضاء می توانند به میل خویش هر نوع سیستم ارزی را انتخاب کنند. کشورهای عضو می توانند
ارزش پول خود را به پول یکی از کشورهای عضو، به حق برداشت مخصوص و یا به سبد دیگری
از ارزها تثبیت کنند اما نباید ارزش پول خویش را به طلا تثبیت کنند. همچنین هر یک از اعضا می
بایست هر گونه تغییر در نظام ارزی خود را سریعاً به صندوق بین المللی پول اطلاع دهند.



صندوق بین المللی پول

هنگامی که موقعیت دلار متزلزل شد، انگیزه تعویض دلار با طلا وخامت وضع دلار را تشدید کرد.
در ماه اوت ۱۹۷۱ کشور هایی نظیر فرانسه، سوئیس، بلژیک و حتی واتیکان به ذخیره کردن طلا
روی آوردند. جهت جلوگیری از افت دلار که میزان عرضه آن به سرعت بالا می رفت، آمریکا
ناگزیر به خرید دلار در مقابل طلا شد ولی ذخائر طلای آمریکا به ۱۰/۵۷ میلیارد دلار کاهش پیدا
کرده بود، و این تنها برای پاسخگویی به ۲۰ درصد از دلارهای قابل تبدیل به طلا کفایت می کرد.
به هر حال تقاضای تبدیل دلار به طلا و عدم توانایی آمریکا نهایتاً مشکلی را برای دلار بوجود
آورد که منحصراً با کاهش ارزش دلار در مقابل ارزهای مختلف خنثی نمی شد. از این رو آمریکا در
ماه اوت سال ۱۹۷۱ رسماً قابلیت تبدیل دلار به طلا را لغو کرد. بدین ترتیب دلار در برابر طلا
تضعیف شد به طوری که هر انس طلا به ۳۸ دلار افزایش یافت و در مقابل درسامبر همان سال
ارزش مارک و ین در برابر طلا افزایش یافت.

با این مقدمه و تاریخچه مختصری که درباره نظام پولی جهان و رابطه آن با طلا و دلار مطرح شد،
قابل درک است که چرا اقتصاددانان پولی و مقدمات صندوق بین المللی پول در فکر ایجاد یک

پول بین المللی بوده اند. چنان که عنوان شد، آنها از اوایل دهه ۱۹۶۰ به
دلایلی نظیر کمبود ذخائر بین المللی به سبب رشد سریعتر تجارت بین
المللی نسبت به افزایش نقدینگی جهانی، نحوه توزیع ذخائر بین المللی
و ... در پی دستیابی به راه حلی بوده اند. بالاخره موضوع مذکور در
مجمع عمومی سالانه صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در سال
۱۹۶۶ مطرح گردید. پس از آن کارشناسان صندوق به اتفاق متخصصان
ممالک عمده صنعتی پیشنهادات مختلفی را که در این زمینه ارائه شد

مورد بررسی قرار دادند. طرح حق برداشت مخصوص یا (Special Drawing Rights) SDR به لحاظ دارا بودن خصوصیتی از حیث ایجاد ذخائر جدید و اصلاح نظام پولی بین المللی، بیشتر مورد نظر قرارگرفت بطوری که مقدمات صندوق پول و رؤسای بانکهای مرکزی و وزیران دارائی کشورهای ده گانه صنعتی در اوت ۱۹۶۷ در لندن طرح مزبور را قبول کردند و خطوط اصلی طرح توسعه مجمع عمومی سالانه صندوق در سال ۱۹۶۷ در ریودوژانیرو تصویب گردید. در ۳۰ سپتامبر ۱۹۶۸ رئیس جمهور وقت آمریکا یعنی جانسون اعلام داشت که آمریکا اولین کشوری است که مقررات حق برداشت مخصوص (SDR) را به تصویب رسانده است. یکسال بعد یعنی در اوت ۱۹۶۹ تعداد کافی از کشورهای دیگر اصلاحیه اساسنامه را مورد تصویب قرار داده و موافقت کردند که SDR موجودیت پیدا کند.

یکی از موفقیت‌های عمده صندوق بین المللی پول بین سالهای ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۱ همانا بوجود آوردن حق برداشت مخصوص (SDR) دارائیهای ذخیره ای عمدتاً طلا و ارز بودند که امکان ازدیاد سریع آنها وجود نداشت. اما از وقتی که حق برداشت مخصوص (SDR) در حکم ارزش قانونی یا دارائی ذخیره ای در سیستم پولی جهان جایگزین طلا و دلارگردید، صندوق در صورت نیاز به افزایش نقدینگی می توانست آن را افزایش دهد. به این ترتیب از سال ۱۹۶۹ به بعد با ایجاد حق برداشت مخصوص (SDR) صندوق بین المللی پول عهده دار مدیریت نقدینگی بین المللی شد. در آغاز کار هر واحد حق برداشت مخصوص معادل یک دلار (۰/۸۸۸۶۷۱ گرم طلای خالص) تعیین گردید لیکن به لحاظ مرتبط بودن ارزش حق برداشت مخصوص با طلا، عده ای آنرا به غلط طلای کاغذی نامیده اند اما این اسم، گمراه کننده است زیرا حق برداشت مخصوص بر خلاف طلا یا ارز در نتیجه توافق بین المللی بوجود می آید و مقدار ایجاد آن بستگی به احتیاج جهانی به نقدینگی دارد. بر خلاف ارزهای ذخیره ای، اعتماد به حق برداشت مخصوص بعنوان یک دارائی ذخیره ای بستگی به موازنه پرداختها و وضع ارزی و اوضاع سیاسی کشورها ندارد. بعلاوه تغییر برابری رسمی پولها ارزش آنرا عوض نمی کند. همچنین مقدار حق برداشتی که به اعضاء تخصیص داده می شود متناسب با مبلغ سهمیه آنها در صندوق است. در آخر می توان متذکر شد که حق برداشت مخصوص دارائی ارزی بدون قید و شرط هر کشوری است که در طرح مربوط مشارکت کرده باشد.

دارائی اعضا از حق برداشت مخصوص بخشی از ذخائر بین المللی آنها به حساب می آید. حق برداشت مخصوص را می توان برای معاملات گوناگونی مصرف کرد و می توان آن را به ارزهای مهم بین المللی تبدیل نمود. در واقع هدف صندوق بین المللی پول این است که حق برداشت مخصوص را بعنوان یک پول ذخیره ای بین المللی جا بیندازد.